

نقش گروه‌های مرجع در برساخت کیفیت زندگی شهری^۱

سیما ناظری^۲

اصغر مهاجری^۳

حمید انصاری^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۷/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف سنجش تطبیقی چرایی و چگونگی نقش گروه‌های مرجع در سطوح ساختی و کنشی در برساخت کیفیت زندگی شهری و با بهره‌مندی از رویکرد نظری تلفیقی جامعه‌شناختی و روش ترکیبی همزمان؛ از جامعه آماری مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران در سال ۱۳۹۹، به شیوه‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای فضایی و G power، تعداد ۳۱۵ خانوار را انتخاب و پیمایش نموده تا واریانس کیفیت زندگی ساکنان مناطق مزبور را توصیف و نقش مستقیم و غیرمستقیم گروه‌های مرجع را در برساخت کیفیت زندگی شهری آنان تطبیق و تبیین نماید. یافته‌های کیفی گونه‌های خاصی از گروه‌های مرجع را طبقه‌بندی نمود و تفاوت‌های کالبدی بسیار متمایز کننده را در فضای شهری نشان داد و یافته‌های کمی پژوهش هم نشان می‌دهد، اولویت ساکنان محله هاشمی (منطقه ۱۰)، در انتخاب گروه‌های مرجع، به طور عمده سنتی و مذهبی و محله یافت‌آباد (منطقه ۱۷)، اقتصادی و مدنی است. میانگین کیفیت زندگی این دو محله به دلیل تفاوت گروه‌های مرجع‌شان، تفاوت معنی‌داری دارند. از طرفی ساکنان محله‌های پژوهشی که براساس متغیرهای زمینه‌ای، زیستی و ارتباطی‌شان، گروه مرجع خویش را انتخاب کردند، ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی‌شان را براساس الگوها، معیارها و قضاوت‌های گروه‌های مرجع‌شان برساخت می‌کنند (سطح کنشی) و از طرف دیگر گروه‌های مرجع از طریق فضای شهری و کالبدی محله‌ها، نقش موثری در برساخت کیفیت زندگی شهری دارند (سطح ساختی).
واژگان کلیدی: برساخت، فضای شهری، کیفیت زندگی، گروه مرجع.

۱. برگرفته از رساله دکتری تخصصی.

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران.

۳. گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران (نویسنده مسئول).

asgharmohajeri@yahoo.com

۴. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

"کیفیت زندگی"^۱ شهرنشینان از عامل‌های مهم میزان توسعه یافتگی شهر امروزی است. این عامل از یک طرف نشانگر کیفیت کالبدی و فضای جغرافیایی شهر و از طرف دیگر بیانگر میزان توسعه یافتگی مناسبات اجتماعی شهر بر اساس برنامه‌ریزی رفاه پایه و میزان رضایت شهرنشینان، نوع و میزان پخش فضایی آسیب‌های شهری و از همه مهم‌تر، سرزندگی و طروات حیات شهری در شهر امروزی هست. سنجش کیفیت زندگی شهری مهم و تبیین آن بسیار مهم‌تر می‌باشد، چون که شهر در جهان امروزی به عنوان اصلی‌ترین محل زندگی انسان و مرکز پیدایش و اعتلای فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است. در این میان در اکثر شهرهای پرجمعیت جوامع در حال توسعه، رشد کمی بر ارتقاء کیفیت زندگی مردم پیشی گرفته و این امر به پیدایش و افزایش روزافزون انواع مسائل و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دامن زده است (رضازاده قرشی، ۱۳۹۴).

کیفیت زندگی به ویژه بعد ذهنی آن بازنمایی ذهن، فکر، معرفت، توان دانشی، توان باوری و به عبارت دیگر فرهنگ شهرنشینان است و اگر شهری مثل تهران دچار آسیب‌های فرهنگی و ذهنی می‌گردد، نشان از تغییر در باورهای فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که این تغییر باورها تحت تاثیر و رهبری گروه‌های مرجع قلمرو زندگی‌شان تولید، بازتولید و راهبری می‌شود. بر همین اساس گروه‌های مرجع به صورت ویژه نقش بسیار موثری در شکل‌گیری ساختارهای کالبدی، معیشتی، فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی، بازتولید "گروه‌های اجتماعی"^۲ و ... دارند. به عنوان مثال ساکنان محله‌های پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) به عنوان نمونه‌های جامعه آماری پژوهش حاضر، تا حدود زیادی کنش‌ها و رفتارهای‌شان را از گروه‌های مرجع بزرگ و فعال منطقه و محله‌شان، الگو می‌گیرند و هم‌چنین کالبد شهری، برنامه‌ریزی رفاه شهری و کیفیت زندگی‌شان تحت تاثیر چارچوب فکری گروه‌های مرجع محله‌شان شکل می‌گیرد. چرا که این "گروه مرجع"^۳ است که به افراد پیرو و عضو، منزلت اجتماعی، الگوی رفتاری و حتی اتخاذ تصمیمات راهبردی به مدیران برای برنامه‌ریزی شهری می‌دهد.

از نگاه "مکتب کنش متقابل نمادی"^۴ جهان اجتماعی (بعد ذهنی کیفیت زندگی) ترجمان جهان ذهنی و تفسیری و به عبارتی جهان فرهنگی (در این پژوهش باورهای فرهنگی تحت تاثیر گروه‌های مرجع) است که به طور مستمر تولید و بازتولید می‌شود. از طرف دیگر، ساختار فضای کالبدی شهر و بعد عینی کیفیت زندگی، تحت تاثیر و راهبری راهبردی گروه‌های مرجع، طراحی، برنامه‌ریزی و ممکن

1. Quality of Life

2. Community group

3. Group de refrence

4. Symbolic Interaction

می‌شود. از این‌روی پرسش بنیادی این است که گروه‌های مرجع، در برساخت کیفیت زندگی شهرنشین امروزی چه میزان و چگونه موثر می‌شوند؟.

مشاهدات میدانی پژوهشگر و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که کیفیت زندگی در دامنه و قلمرو پژوهش حاضر، دچار مساله شده و بین مطلوب‌های کیفیت زندگی شهری و واقعیت‌های آن تعارض، تضاد و ناسازگاری وجود دارد و این امر موجب شده است که جامعه آماری پژوهش دچار تنش شود و بسیاری از نابسامانی‌های کالبدی و اجتماعی در قالب آسیب‌های شهری در آن تجلی نماید. این وضعیت در اکثر جوامع شهری مشابه، با وضعیت جامعه آماری پژوهش حاضر، مشاهده می‌شود و یافته‌های پژوهشی بسیاری از پژوهشگران این حوزه، شواهد و مستندات دال بر این مدعا را نشان می‌دهند. بر اساس نتایج پژوهش کوکبی (۱۳۸۴)، در پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد کیفیت زندگی در سطح پایینی است. همچنین مطالعه نجات (۱۳۸۷)، در زمینه اندازه‌گیری کیفیت زندگی، زبردست (۱۳۸۸)، در خصوص بافت شهری و منطقه‌ای، حاجی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۹)، در ارتباط با نابرابری‌های کیفیت زندگی در محله‌های شهری، بررسی‌های پورطاهری و دیگران (۱۳۹۰)، در خصوص ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعات خادم‌الحسینی و دیگران (۱۳۹۰)، مرتبط با سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری و پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱)، در زمینه طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری، شمعی و دیگران (۱۳۹۶)، در خصوص ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق شهری، مطالعات زنگنه شهرکی و دیگران (۱۳۹۳)، در خصوص تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه کلانشهری، مطالعات شاه‌حسینی و توکلی (۱۳۹۳)، در ارتباط با بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، همچنین مطالعات صبری (۱۳۷۸)، پاکزاد (۱۳۸۱)، بهرامی‌نژاد (۱۳۸۲)، عباس‌زادگان و رضوی (۱۳۸۵)، رفیعیان (۱۳۹۰)، در زمینه سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی و ... نشان می‌دهند که نقش عامل‌های مهم موثر بر کیفیت زندگی شهرنشینان کدامند؟ و چگونه و چه میزان گروه‌های مرجع در برساخت کیفیت زندگی شهرهای امروزی موثر می‌باشند. از اهمیت و ضرورت پژوهش و نوشتار حاضر این است که می‌خواهد، کیفیت زندگی را از منظر جامعه‌شناسی گروه‌ها و در سطوح ساختاری و کنشی بررسی و پژوهش کند و سهم گروه‌های مرجع را در کیفیت زندگی سنجش نماید. بر اساس ماهیت موضوع پژوهش حاضر با عنوان بررسی و تبیین جامعه‌شناسی تطبیقی راهبری گروه‌های مرجع در برساخت کیفیت زندگی شهری که تلاش دارد سهم و تاثیر گروه‌های مرجع را از طریق فضای شهری بر کیفیت زندگی شهرنشینان بررسی کند، به لحاظ پارادایم فکری، الگو و چارچوب نظری آن براساس ماهیت بین‌رشته‌ای، وام‌دار حوزه‌های مختلف دانشی مانند برنامه‌ریزی رفاه شهری و به ویژه جامعه‌شناسی گروه‌ها، شهری و فرهنگی می‌باشد. کیفیت زندگی از زوایای نظری و بینشی مختلفی بررسی می‌شود تا رویکردهای اصلی در مورد آن مشخص و از طرف دیگر، عامل‌های تشکیل دهنده مدل پژوهش که متکثر، پیچیده و چند سطحی است، تعیین شود.

به اعتقاد نظریه‌پردازانی چون "هیمن"^۱ و "فستینگر"، پایگاه ذهنی افراد، یعنی پایگاهی که شخص تصور می‌کند به آن تعلق دارد، به طور حتم از عواملی مانند درآمد و تربیت ناشی نمی‌شود، بلکه تا حدودی به گروه‌های اجتماعی بستگی دارد که به عنوان "چارچوب مرجع"^۲ انتخاب شده‌اند (هیمن و فستینگر، ۱۹۶۸: ۴). به عنوان مثال ساکنان محله‌های پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) تا حدود زیادی کنش‌ها و رفتارهای‌شان را از گروه‌های مرجع بزرگ و فعال منطقه و محله‌شان، الگو می‌گیرند و کیفیت زندگی‌شان تحت تاثیر چارچوب‌های گروه‌های مرجع محله‌شان می‌باشد.

به تعبیر "هربرت مید"^۳ فرد و "چارلز هورتن کولی"^۴ گروه اجتماعی خودش را به عنوان یک مجموعه سازمان یافته از گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها (نظام معیارین)^۵ و هدف‌هایی که به رفتار او و دیگری شکل می‌دهد، انتخاب می‌کند. بر اساس نظریه "سولیوان"^۶ که اندیشه کولی و مید را از نو با این بحث مطرح می‌کند که با معنی بودن "دیگران"^۷ نوعی انتخاب در شناسایی، با آن دسته از دیگران است که کنشگر با آنان در تماس است. با این حال تفکیک کننده نفوذ و کنترل اجتماعی بر روی فرد در حال کنش (ساکنان محله‌های پژوهش)، از طریق به کارگیری گروه مرجع به صورتی متمایز از "گروه عضویت"^۸ هست (گولد و کولب،^۹ ۱۳۹۲: ۷۱۹). این نظر مید درباره "دیگری تعمیم یافته"^{۱۰} حوزه نظری دیگری که ارتباط نزدیکی به بحث گروه مرجع دارد همخوانی دارد.

"رابرت کی مرتن"^{۱۱} بر این موضوع تاکید می‌کند که انسان‌ها در رفتارها و ارزیابی‌های خود، جهت گیری‌های‌شان را متناسب با گروه‌هایی که به عنوان چارچوب مرجع بر می‌گزینند، تنظیم می‌کنند. مرتن و "الیس س. کیت"^{۱۲} درباره گروه‌های مرجع اذعان می‌دارند که بسیاری از حوزه‌های رفتار اجتماعی در جوامع ناهمگن از این رو اهمیت دارد که مشاهده می‌شود انسان‌ها رفتار خود را با توجه به گروه‌های عضویت و غیر عضویت شکل و جهت می‌دهند (کوزر و روزنبرگ^{۱۳}، ۱۳۷۸: ۲۵۲).

به طور کلی دو پرسش مهم نظری در مورد انتخاب گروه مرجع وجود دارد؛ در مرحله اول، این که آیا فرد گروه مرجع خود را از میان گروه‌های تعلق یا از گروه‌هایی که بدان‌ها تعلق ندارد، انتخاب می‌کند؟ و در مرحله دوم، چه چیزی انتخاب گروه مرجع را در بین چندین گروه مناسب در وضعیت معین دیکته

¹. Hyman

². Reference framework

³. Mead. George Herbert

⁴. Cooley. Charles Horton

⁵. System of criteria

⁶. Harry Stack Sullivan

⁷. Others

⁸. Membership Group

⁹. Gould, Julius, Kolb, William

¹⁰. Another generalized

¹¹. Robert. K. Merton

¹². kit. Alice S

¹³. Coser, Lewis Alfred & Rosenberg, Bernard

می‌نماید؟ "دوچ و کراس"^۱ معتقدند، مرتن با تحلیل چهار عامل می‌کوشد به پرسش‌های مذکور پاسخ دهد؛ ۱. انتخاب شدن گروه مرجع، که بتواند حیثیت بیشتری برای فرد تأمین کند. ۲. احتمال انتخاب گروه مرجع که فرد به آن تعلق ندارد، ۳. احتمال انتخاب شدن گروه‌هایی که فرد بدان‌ها تعلق ندارد در جوامعی با نرخ تحرک اجتماعی بالا، این مورد بیشتر است. ۴. متغیرهای زمینه‌ی فرد نیز در پذیرش و گرایش او به گروه مرجع مؤثر است. "تاموتسو شیبوتانی"^۲ صاحب‌نظر مشهور گروه‌های مرجع، هم با نظریه مزبور موافق است (سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۹-۱۵۸).

"مارانس"^۳ برای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در شهرها، دو رویکرد اساسی را معرفی می‌کند: نخستین رویکرد عینی، شامل برنامه‌ریزی رفاه پایه و نظارت بر کیفیت زندگی شهری از طریق مجموعه‌ای از شاخص‌های (بیشتر اوقات) مشتق از داده‌های فضایی جمع شده از منابع اداری مانند سرشماری است که از کیفیت زندگی ادراک شدند (به عنوان مثال سطح درآمد خانواده، میزان جرم، سطوح آلودگی، هزینه مسکن و غیره). دومین رویکرد شامل مدل‌سازی روابط میان ویژه‌گی‌های محیط شهری و اندازه‌گیری ارزیابی ذهنی از قلمرو کیفیت زندگی مردم که شامل رضایت‌مندی از پدیده‌های خاص و از زندگی به عنوان یک کل است (مارانس، ۲۰۱۱: ۱۲).

از دیگر رویکردهایی که به طور مستقیم به کیفیت زندگی مربوط می‌شود را می‌توان به دو دسته توصیفی و تبیینی تقسیم کرد. رویکرد توصیفی، رابطه کیفیت زندگی را با متغیرهایی چون سن، جنس، سواد و ... بررسی می‌کنند و هدف اصلی آن سنجش کیفیت زندگی براساس متغیرهای زمینه‌ای است. در این رویکرد گرایش نظری ضعیف است و تبیین روابط علت و معلولی هدف نیست و بیشتر توصیف کیفیت زندگی می‌باشد. در رویکرد تبیینی، دغدغه اصلی سنجش میزان کیفیت زندگی با توجه به عوامل مؤثر بر آن اعم از عوامل عینی و ذهنی می‌باشد (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۱: ۴۳).

در سنجش کیفیت زندگی دو رویکرد عاملیت‌گرا و ساختارگرا هم وجود دارد. رویکرد عاملیت‌گرا به طور عام مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی هست و جامعه را به عنوان جمع جبری افراد مورد توجه قرار می‌دهد. این گونه تبیین هر چند می‌پذیرد که عوامل فرا فردی برای تبیین مفید هستند اما این عوامل را به زمینه‌های فردی فرو می‌کاهد. در این رویکرد عاملیت فرد در مرکزیت بحث پیرامون کیفیت زندگی قرار دارد؛ یعنی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های افراد، تا شرایط ساختاری، اجتماعی، فضای شهری و کالبدی است.

رویکرد ساختارگرا نسبت به رویکرد عاملیتی از دو ویژگی متمایز برخوردار است. اول آن که مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهند که تمامی حوزه‌هایی که در بهبود کیفیت زندگی مؤثرند را در بر می‌گیرد و دوم آن که بر جامعه به عنوان یک کلیت تمرکز دارند. به عنوان مثال در تعریف فضا و

¹. Deutsch, Morton & Krauss Robert M

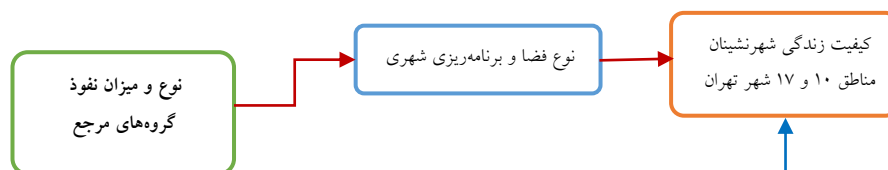
². Tamotsu Shibotani

³. Marans

برنامه‌ریزی شهری، هم به کالبد و جغرافیا، هم به مناسبات اجتماعی درون آن و هم به فرد براساس بینش نظری تلفیقی سطوح خرد و کلان توجه دارد. "برنارد برگر"^۱، "اشمیت"^۲ و "نول"^۳ از جمله مروجین این رویکرد هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰). پژوهش حاضر هم به این رویکرد، متعهد است.

در یک جمع‌بندی نظری و بر اساس رویکرد سوم ترکیب دو رویکرد یاد شده دید جامع‌تری در رابطه با کیفیت زندگی مطرح می‌کند. از نظر "فرانس"^۴ از طرفداران این رویکرد، از لحاظ مفهومی، کیفیت زندگی، ادراک فرد از رفاه خود و جامعه است و اگر درک فرد از کیفیت زندگی‌اش کاهش یابد سایر ویژگی‌های او تحت تاثیر قرار گرفته و باعث تقلیل آن‌ها و در نهایت کیفیت زندگی افت پیدا می‌کند. توجه روزافزون به کیفیت زندگی به عنوان سازه‌ای ترکیبی باعث شده که بر تعداد قلمرو یا حوزه‌های مطالعاتی این سازه افزوده شود. "لی"^۵ معتقد است که سه حوزه کالبدی، اجتماعی و اقتصادی (در پژوهش حاضر، فضای شهری) سه ستون اصلی کیفیت زندگی هستند که می‌توانند برای تشخیص مفهوم زندگی مناسب و پایدار و همچنین برای توضیح معنای کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گیرند. "بونک"^۶ هم سه حوزه مهم که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازند را شامل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌داند. روان‌شناسی ویژه‌گی‌های شخصیتی را بر رفاه و "بهبیستی ذهنی"^۷ مؤثر می‌داند. جامعه‌شناسی بر نقش الگوها و عوامل اجتماعی و جمعیتی بر رفاه و بهبودیستی ذهنی تأکید دارد.

با توجه به مباحث بینشی و رویکردهای نظری که به عنوان چارچوب نظری پژوهش تدوین شده است و بر اساس ماهیت نظری تلفیقی و رویکرد بین رشته‌ای آن، مدل مفهومی - علی، پژوهش حاضر به شرح شکل شماره (۱)، طراحی و سنجش می‌شود.



شکل شماره (۱): مدل مفهومی - علی پژوهش

1. Bernard Berger
2. Schmitt
3. Noll
4. France
5. Lee
6. Bonk
7. Mental well-being

با توجه به مدل مفهومی - علی پژوهش که مقاله حاضر فقط بخشی از آن است، یک پژوهش بین رشته‌ای و چند عاملی هست که عامل مهم و علی آن، نوع و میزان نفوذ گروه‌های مرجع را در برماخت کیفیت زندگی محله‌های هاشمی و یافت‌آباد از مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران و ساکنان آن است که سهم این عامل را در یک مدل علی و در تعامل با عامل نوع فضا و برنامه‌ریزی شهری سنجش و بررسی می‌کند.

با توجه به مطالب فوق این تحقیق در پی آزمون فرضیه‌های زیر می‌باشد:

- بین متغیرهای زمینه‌ای افراد و انتخاب نوع گروه مرجع آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان نفوذ گروه‌های مرجع در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی شهری ساکنان آن رابطه وجود دارد.
- بین عناصر تشکیل دهنده کیفیت زندگی (سطوح خرد و کلان و ابعاد ذهنی و عینی) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- گروه‌های مرجع در محله، از طریق عامل برنامه‌ریزی در ساخت فضای شهری و افزایش کیفیت فضا و بعد عینی کیفیت زندگی، کیفیت زندگی محله را تعیین می‌کند.

ابزار و روش تحقیق

بر اساس ماهیت موضوع پژوهش حاضر و به حکم معرفت‌شناسی روشی، روش پژوهش حاضر از نوع "ترکیبی همزمان"^۱ و متوالی هست. به عبارت دیگر بر اساس ساختار پرسش‌های پژوهش و برای کشف واقعیت‌ها، ظرفیت‌های مرتبط با موضوع و فرضیه‌های پژوهش در جامعه آماری پژوهش، از یک طرف با چراغ رویکرد استقرایی و با بهره‌مندی از روش‌های کیفی و مطالعات پویایی، به کشف این واقعیت‌ها پرداختیم و از طرف دیگر با توجه به مدل مفهومی، چارچوب نظری، بر اساس رویکرد قیاسی و در قالب روش‌های کمی "مطالعات پیمایشی"^۲، فرضیه‌های پژوهش را آزمون کردیم، از این روی روش‌های پژوهش حاضر "ترکیبی"^۳ از انواع همزمان و متوالی است.

از یک طرف به دلیل فقدان مطالعات کافی و پیشینه پژوهش در قلمرو جامعه آماری می‌بایست مطالعات اکتشافی انجام می‌گرفت تا وضعیت میدان پژوهش و ساخت آن روشن و شفاف شود؛ هم‌چنین وضعیت فضای شهری به شیوه‌های روش میدانی مانند مشاهده و تصویربرداری تعریف و تدقیق می‌شد از طرف دیگر، توزیع جغرافیایی آسیب‌های اجتماعی و رتبه آن‌ها به شیوه‌ها و تکنیک‌های رتبه‌بندی، مشخص و یا انواع گروه‌های فعال مرجع و توزیع جغرافیایی آن‌ها به شیوه مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساخته در جامعه آماری تعیین شد. از این روی به ضرورت، نیازمند استفاده و بهره‌مندی از روش‌های کیفی

¹. Simultaneous combination

². Survey Studies

³. hybrid

بودیم و برای همین از ابزارهای گردآوری داده‌ها، شیوه‌ها و فنون مرتبط با این روش‌ها استفاده نمودیم و هم‌چنین در جستجوی وجود/عدم وجود برخی متغیرهای عمده و موثر جمعیتی که در ساحت و ساختار جامعه آماری پژوهش، از روش‌های کیفی دیگر که اسنادی(گزارش‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵؛ گزارش‌های آماری سازمان‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تهران)، می‌باشد، به ضرورت در پژوهش مزبور استفاده شده است. برای فرض آزمایی هم از روش پیمایشی بهره جستیم.

یکی از دو منطقه جامعه آماری پژوهش حاضر، محله هاشمی است که در ناحیه ۲ و جنوب منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران قرار دارد که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای-فضایی و تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شده است. این محله از شمال به خیابان هاشمی، از جنوب به خیابان کمیل، از شرق به خیابان جیحون و از غرب به بزرگراه یادگار امام منتهی می‌شود. این منطقه گلوگاه و گذر شریان‌های شرقی-غربی و شمالی-جنوبی است و با وجود ۳ پادگان بزرگ در همجواری منطقه شامل پادگان حر در شرق، جی در غرب و قلعه‌مرغی در جنوب که این منطقه را به نوعی از نظامی‌ترین مناطق تهران و از طرف دیگر با بیش از ۶۰ درصد بافت فرسوده (۴۵۰ هکتار که ۲۵۰ هکتار آن بافت فرسوده شدید می‌باشد) و تراکم ناخالص جمعیتی حدود ۴۰۰ نفر در هر هکتار است و از فرسوده‌ترین و پرتراکم‌ترین مناطق شهر تهران است که به این منطقه موقعیت استراتژیک/راهبردی و در برخی موارد بحرانی می‌دهد (مهاجری، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

دومین منطقه جامعه آماری پژوهش حاضر، محله یافت‌آباد واقع در منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران می‌باشد، که بیشترین جمعیت را در بین محله‌های این منطقه دارد (همانند محله هاشمی در منطقه ۱۰) و براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای-فضایی و تصادفی ساده به عنوان محله و جمعیت نمونه پژوهش انتخاب شده است.

پس از نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای، محله‌های جامعه آماری پژوهش به شیوه تصادفی ساده انتخاب و سپس با توجه به این که ملاک سنجش و تحلیل واحد پژوهش، واحد خانوار بود از طریق بلوک‌های ساختمانی و به شیوه نمونه‌گیری G power به آن‌ها مراجعه شد. برای تلخیص مجموع مباحث روشی پژوهش حاضر، آن را در قالب جدول شماره (۴)، تجمیع، تدوین و ارائه می‌نماییم.

نظر به این که ترکیبی بودن روش پژوهش حاضر، در بخش روش کیفی، از دو روش میدانی و فوکوس گروه متخصصان با شیوه‌های گردآوری داده‌هایی مانند مشاهده (مشاهدات پژوهشگر، عکاسی و فیلم‌برداری)، مصاحبه نیمه عمیق با اهالی محله و با اجرای جلسه متخصصان در "گروه متمرکز"^۲

۱. تمامی اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، راهبردی، فرهنگی و ... پژوهش حاضر در موضوع مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران، از گزارش مطالعات و ارزیابی اجتماعی و فرهنگی که توسط اصغر مهاجری که با همکاری شرکت مهندسین هگزا و نظارت پژوهشکده هنر و معماری دانشگاه تهران برای پیوست توسعه و ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب، انجام گرفته است، بهره‌برداری شده است.

۲. Focuc Group

استفاده شد تا مفاهیم مرتبط با عامل‌های پژوهش از جمله گونه‌شناسی گروه‌های مرجع، گونه‌شناسی مشکلات و نیازهای محله‌ها تعریف و تدقیق شود تا از آن‌ها در مدل مفهومی - علی و فرضیه‌های پژوهش بهره‌برداری شود. بر اساس قواعد حاکم در سنجش روایی ابزارها و داده‌های مرتبط به این قسمت، از شیوه خبره‌گی و در حجم نمونه‌های پژوهش از شیوه اشباع پژوهشگر بهره‌برده شده است. به عبارت دیگر برای گونه‌شناسی و معیارهای طبقه‌بندی گونه‌های گروه‌های مرجع و ... کفایت نظری خبرگان و اجماع متخصصان گروه متمرکز/ فوکوس گروپ متخصصان، ملاک روایی بود و در جمع‌آوری میزان داده‌های مرتبط به میدان از طریق تعداد تصاویر و مشاهدات و همچنین مصاحبه‌های نیمه عمیق، اشباع پژوهشگر ملاک بود که پژوهشگر به این اطمینان رسید ادامه ثبت تصاویر و انجام مصاحبه‌های بیشتر، اطلاعات جدیدی را حاصل نمی‌کند.

در بخش روش کمی پژوهش، بر اساس اصول روش کمی و به ویژه روش پیمایش، ابزار گردآوری داده‌های کمی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته است و روایی آن علاوه بر بهره‌مندی از شیوه خبره‌گی (نظر اعضای گروه متمرکز و اساتید راهنما و مشاور)، در مرحله "پیش‌آزمون"^۱، به تفکیک خوشه‌های پرسش‌ها، آلفا کرونباخ آن محاسبه و میانگین آلفای آن‌ها، ۸۸ درصد می‌باشد.

جدول شماره (۱): توزیع رویکردها، روش‌ها، ابزارهای گردآوری داده‌ها و

روایی آن‌ها، جوامع آماری، شیوه نمونه‌گیری و جمعیت نمونه‌ها، براساس عامل‌های پژوهش

| هدف | جامعه آماری و نمونه | | رویکردها، روش‌ها، ابزارها و روایی | | |
|-----------------------|-----------------------------|---------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|---|
| | حجم نمونه | شیوه نمونه‌گیری | روایی | ابزار گردآوری | روش |
| بررسی پرسش‌های پژوهش | ۳۲ نفر (در هر مرحله ۱۶ نفر) | هدفمند، قضایی، گلوله برفی و ... | خبره‌گی و لتیاع پژوهشگر | پرسش‌نامه، فیش نامه و مشاهده نام‌ها | فوکوس گروپ‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهدات و ... |
| آزمون فرضیه‌های پژوهش | ۳۱۵ خانوار | طبقه‌ی خوشه‌ی و سپس G. power | خبره‌گی و آلفای کرونباخ (۸۸٪) | پرسشنامه | پیمایش و عمده پیمایش‌ها |

با توجه به دامنه وسیع پژوهش^۲ و خوشه‌های پرسشنامه پیمایش اصلی، سنجش آلفای آن به شرح جدول شماره (۲)، محاسبه شده است که میانگین آن در جدول شماره (۱)، آمده بود.

جدول شماره (۲): توزیع میزان آلفا کرونباخ خوشه پرسش‌های پرسشنامه پیمایش اصلی پژوهش

| ردیف | خوشه | عامل‌ها | دامنه گویه‌ها | میزان آلفا |
|------|------|------------------|---------------|------------|
| ۱ | الف | گروه‌های مرجع | ۱ تا ۲۰ | ۰/۹۱ |
| ۲ | ب | فضای شهری | ۲۱ تا ۳۵ | ۰/۹۰ |
| ۳ | پ | آسیب‌های اجتماعی | ۳۶ تا ۵۵ | ۰/۸۲ |
| ۴ | ت | کیفیت زندگی | ۵۶ تا ۹۳ | ۰/۹۳ |

^۱. Pre Test

^۲. مقاله حاضر بخشی از یافته‌های پژوهش مزبور می‌باشد.

| | | | | |
|---|---|----------------------|-----------|-----|
| ۵ | ث | متغیرهای زمینه‌ی | ۱۰۶ تا ۹۴ | ۸۶٪ |
| ۶ | | همه خوشه‌ها/ عامل‌ها | میانگین | ۸۸٪ |

یافته‌های تحقیق

یافته‌های مرتبط به سیما و نیمرخ اجتماعی و کالبدی جامعه آماری را با محوریت کیفیت زندگی و فضای شهری و به شیوه تطبیقی توصیف شده است. یافته‌های تطبیقی بخش کیفی پژوهش به متغیرهای میانجی وضعیت کالبدی و فضای شهری محله‌های پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) و هم‌چنین نیازها و اولویت‌های آن‌ها مربوط می‌شود و در ادامه یافته‌های کمی پژوهش به متغیرهای وابسته کیفیت زندگی و مستقل نوع و میزان نفوذ گروه‌های مرجع در دو محله پژوهش مرتبط است که در قالب فرضیه‌های پژوهش تبیین می‌شود.

توصیف سیمای کالبدی و فضای شهری جامعه آماری و تحلیل تطبیقی آن‌ها

یافته‌های میدانی پژوهش (مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها) و نتایج برخی از "خرده پیمایش"^۱ها نشان می‌دهد که فضای کالبدی محله هاشمی نه تنها شرایط را برای بروز و ظهور آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌سازد، بلکه ساختارهای کالبدی آن به نحوی است که از طریق ساختار میدان‌ها و مدالیت‌های مختلف موجب شیوع این آسیب‌ها و ناامنی‌ها می‌شود. برنامه‌ریزی و طراحی خیابان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، مکان‌های عمومی مانند حمام‌های عمومی و ... موجب شیوع مدالیت‌های ناامنی از جمله توزیع مواد مخدر، مصرف آن و ... است. برنامه‌ریزی نامناسب برای شریان‌های ترافیکی، تراکم آمد و شد اتومبیل‌ها بسیار زیاد است. بافت‌های فرسوده، پیاده‌روها، بوستان‌ها، توزیع مراکز خدماتی، بسیار نامناسب می‌باشد. این محله با بافت فرسوده، ترافیک ناموزن، آسیب‌های اجتماعی زیاد، خانه‌های مجردی از جمله محله‌های آسیب‌دیده و پر خطر شهر تهران محسوب می‌شود. با توجه به بافت جمعیتی، ساختار این محله به طور عمده مذهبی و سنتی است. سرانه زمین مسکونی ۱۲ متر مربع در مقابل ۲۳/۱ متر مربع در سطح تهران، سرانه زیربنای مسکونی ۱۶ متر مربع در مقابل ۲۴/۲ متر مربع شهر تهران، نسبت ساختمان‌های با اسکلت آجر و آهن ۷۰ درصد در مقابل ۴۱/۶ درصد در سطح تهران، نسبت ساختمان‌های با اسکلت فلزی و بتونی ۲۰ درصد در مقابل ۵۲ درصد در سطح تهران، میانگین مساحت ۸۹ متر مربع در مقابل ۲۲۳ متر مربع در سطح تهران، نسبت ساختمان‌های با دوام ۱۱/۵ درصد در مقابل ۲۹/۱ درصد در سطح تهران و وسعت بافت فرسوده ۳۹ هکتار می‌باشد.

بر خلاف محله هاشمی، نوع بافت محله یافت‌آباد تجاری و مسکونی است. این محله از نظر مراکز خرید بورس میل ایران و تهران است و بزرگ‌ترین و با کیفیت‌ترین بازار میل و صنایع چوبی در ایران

^۱. Sub-Survey

می‌باشد که در این منطقه و محله، بزرگ‌ترین بازارها و پاساژهای مبل و صنایع چوبی را مشاهده می‌کنیم. این منطقه در محدوده طرح ترافیک و طرح زوج و فرد نمی‌باشد و ساکنان سایر مناطق شهری تهران به راحتی می‌توانند با اتومبیل‌های شخصی برای خرید به این مراکز و محله مراجعه نمایند. در این منطقه ایستگاه مترو وجود ندارد و نزدیک‌ترین ایستگاه متروی این بازار ایستگاه آزادی و قلعه مرغی است. اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین مراکز این بازار به سه دسته: ۱. بازار مبل شماره یک ۲. بازار مبل شماره دو ۳. بازار مبل شماره سه تقسیم می‌شوند.

بر اساس تطبیق و مقایسه یافته‌های پیمایشی پژوهش (پیمایش اصلی و خرده پیمایش‌ها) و یافته‌های پیش‌پژوهش (مشاهدات و مصاحبه‌ها) وضعیت حوزه و دامنه فراگیر جامعه آماری پژوهش و سایر محله‌های جامعه آماری (برون خوشه‌ها) و محله‌های نمونه پژوهش (درون خوشه‌های پژوهش) موارد ذیل بسیار محسوس و قابل تامل می‌باشد.^۱

۱. تحلیل تطبیقی وضعیت ساختارهای کالبدی کیفیت زندگی نشان می‌دهد، حوزه بلافصل محله‌های پژوهش، وضعیت متمایز و متفاوتی از وضعیت جامعه فراگیرشان دارند.

۲. ساکنان محله یافت‌آباد مستاجرترین هستند، چون که محله‌های منطقه ۱۰ و به ویژه محله هاشمی با ۷۴ درصد بیشترین و منطقه ۱۷ با حدود ۵۰ درصد کمترین میزان مالکیت بر املاک‌شان را دارند.

۳. ساختار قومی و فرهنگی محله‌ها بسیار قابل تامل است. هر چند اکثر شهروندان این مناطق و محله‌ها، دارای منشا شهرستانی و به طور عموم غیر تهرانی هستند ولی تنوع فرهنگی و قومی آن‌ها هم قابل تامل است. محله‌های یافت‌آباد و هاشمی با ۵۷ درصد و ۳۵ درصد با گویش زبان تورکی بیشترین تمایزات زبانی و فرهنگ قومی را دارا می‌باشند.

۴. محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران به طور عمده مهاجران فرا ملی/ خارجی، فرا شهری/ شهرستانی و محله‌های منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران به طور عموم کارگران فرا منطقه‌ای هستند که این نوع مهاجرت و الگوی جابجایی موجب شده است که افراد از طریق این منطقه از مناطق پایین دست شهر برای مهاجرت به مناطق بالای شهری و یا بالعکس عمل کنند.

۵. احساس تعلق محله‌ای و روابط محلی و نظامات اجتماعی حاکم بر تعاملات آن‌ها، سنتی، از نوع سرمایه اجتماعی عمودی و قوم‌محور می‌باشد.

۶. وضعیت ساختمان جمعیت در حوزه دامنه بلافصل و فراگیر جامعه آماری با باورهای فرهنگی سنتی، قوم‌مدارانه، مهاجرپذیر با آسیب‌های اجتماعی همخوانی دارد. از این روی سن سرپرستان خانواده محله هاشمی با میانگین حدود ۵۵ سال، جنسیت‌شان با میانگین ۸۷ درصد مرد و تحصیلات‌شان با

۱. در پژوهش حاضر، برای تطبیق یافته‌ها و ... از یافته‌های پژوهشی سایر پژوهش‌ها و ... مانند: یافته‌های اسنادی آمار تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵،

گزارش مهندسین مشاور هگزا، سایت‌های مدیریت شهری، گزارش شهر دوست‌دار کودک هم بهره بردیم.

میانگین ۸ کلاس سواد، محل تولد ۵۹ درصد تهرانی، گویش با زبان تورکی حدود ۳۵ درصد و ... بسیار متفاوت از محله یافت‌آباد می‌باشد و واریانس‌های قابل تاملی دارند. سن سرپرستان خانوار محله یافت‌آباد با میانگین ۴۷ سال سن، با ۸۹ درصد مرد، تحصیلات ۸ و نیم کلاس، اشتغال حدود ۷۱ درصد، گویش با زبان تورکی آذری با حدود ۵۷ درصد، محل تولد حدود ۵۰ درصد تهرانی و ... بسیار متفاوت از محله هاشمی می‌باشد.

۷. جمعیت شناور در این مناطق به لحاظ گونه‌شناسی و هم‌چنین موقعیت جغرافیایی بسیار قابل تامل هست. جمعیت شناور این مناطق و اجتماعات محلی از نوع و گونه‌گذری/شناور و ناماندگار در درون منطقه هست.

۸. میزان اشتغال محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران کمتر و محله هاشمی حدود ۴۷ درصد و برای منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران بیشتر و برای محله یافت‌آباد حدود ۷۱ درصد می‌باشد.

۹. میانگین قدمت بنای محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران متفاوت و واریانس بیشتری دارند. محله هاشمی با حدود ۳۳ سال بسیار فرسوده و محله یافت‌آباد با ۱۸ سال نوسازتر است.

۱۰. وضعیت رفاهی و کیفیت زندگی هر دو محله از میانگین کیفیت زندگی شهر تهران پایین‌تر است اما در بررسی مقایسه‌ای، وضعیت کیفیت زندگی در محله یافت‌آباد (منطقه ۱۷) بهتر از محله هاشمی (منطقه ۱۰) می‌باشد.

۱۱. توزیع، نفوذ و فشار گروه‌های مرجع به طور عمده در منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران از نوع اقتصادی و مدنی و در منطقه ۱۰ شهرداری شهر تهران از نوع اجتماعی و مذهبی است.

توصیف ویژه‌گی‌های جمعیت‌شناختی تحقیق

همان‌طور که جدول شماره (۳)، نشان می‌دهد، محله هاشمی زنانه و محله یافت‌آباد مردانه است. این قضاوت پژوهشی از مهم‌ترین یافته‌های تمایزی و مقایسه‌ای جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر می‌باشد. دلایل این تفاوت معنی‌دار را باید در بافت جمعیتی، مدالیته‌های آسیب‌زا و یا اشتغال‌زای محله‌ها، فضای شهری (به ویژه کالبد شهری) و از همه مهم‌تر در سبک زندگی و به تبع کیفیت زندگی این محله‌ها کنکاش نمود. وضعیت سن، میانگین تحصیلات، میزان اشتغال و درآمد، نحوه مالکیت و ... این محله‌ها نیز حکایت از تفاوت و تمایزات ویژه‌ای دارد که بر رفاه و کیفیت زندگی ساکنان جامعه آماری پژوهش موثر است.

جدول شماره (۳): توزیع نمونه‌های پژوهش / سرپرست خانوارها، براساس متغیرهای زمینه‌ای و شاخص‌های آن‌ها

| دامنه اندازه‌گیری | | شاخص | | متغیر | |
|-------------------|----------------|-----------------------------|---|-----------------------------|---|
| منطقه ۱۰ | منطقه ۱۷ | هاشمی | مولفه | مؤلفه | مؤلفه |
| %۸۶,۷ | %۸۹,۳ | جنسیت | ساختار اجتماعی سرپرست خانوار | جنسیت | ساختار اجتماعی سرپرست خانوار |
| %۵۵,۰ | %۴۶,۹ | سن سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار | سن سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار |
| %۸,۱۱ | %۸,۵۱ | تحصیلات سرپرست خانوار | متغیرهای زمینه‌ای (اجتماعی، اقتصادی، قومی) محله | تحصیلات سرپرست خانوار | متغیرهای زمینه‌ای (اجتماعی، اقتصادی، قومی) محله |
| %۴۷,۴ | %۷۰,۲ | اشتغال سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار | اشتغال سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار |
| %۱,۱۴۰ | %۱,۱۹۴ | درآمد ماهیانه سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار | درآمد ماهیانه سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار |
| %۷۴,۱ | %۶۱,۸ | نحوه مالکیت واحد مسکونی | ساختار اقتصادی خانوار | نحوه مالکیت واحد مسکونی | ساختار اقتصادی خانوار |
| %۵۹,۳ | %۴۹,۶ | محل تولد سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار | محل تولد سرپرست خانوار | ساختار اقتصادی خانوار |
| ت | ت ^۱ | زبان و گویش خانوار | ساختار اقتصادی خانوار | زبان و گویش خانوار | ساختار اقتصادی خانوار |
| %۳۵ | %۵۶,۵ | زبان و گویش خانوار | ساختار اقتصادی خانوار | زبان و گویش خانوار | ساختار اقتصادی خانوار |

توصیف توزیع گروه‌های مرجع و کیفیت زندگی

گونه‌شناسی گروه‌های مرجع در جامعه آماری نشان می‌دهد که عمده گروه مرجع که در محله یافت‌آباد (منطقه ۱۷) نفوذ دارند، از نوع و گونه‌های اقتصادی هستند. علی‌رغم این که محل زندگی این گروه‌ها در محله مزبور نیست، لکن ساکنان محله یافت‌آباد به این دلیل که در منطقه ۱۷ وضعیت و موضع حاشیه‌ای دارند^۲ جذب "این گروه‌ها"^۳ و بیشتر آن‌ها را به عنوان الگو و مرجع رفتاری خویش انتخاب می‌کنند. بر خلاف این محله گروه‌های مرجع که در محله هاشمی (منطقه ۱۰) میزان نفوذ دارند، گروه‌های مرجع از گونه اجتماعی و مذهبی هستند که ویژگی‌های سنتی دارند و بر خلاف گروه‌های مرجع محله یافت‌آباد، عمده این گروه‌های مرجع در درون منطقه و محله زندگی می‌کنند. ساکنان محله هاشمی، بیشتر از گروه‌های مرجع اجتماعی و مذهبی تبعیت می‌کنند و آن‌ها را مرجع و معیار قضاوت خود می‌دانند.^۴

۱. تورک زبان

۲. ساکنان منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران، با این که یافت‌آباد موقعیت ممتاز اقتصادی و شهری دارد، را نماد منطقه خود محسوب نمی‌کنند بلکه بیشترین گرایش‌شان این است که محور ابوذر/ فلاح را نماد منطقه خود بدانند، از این روی محله یافت‌آباد در منطقه وضعیت حاشیه‌ای و انزوایی دارد.

۳. گروه‌های اقتصادی مستقر در محله یافت‌آباد به دلیل نیاز به تخصص‌ها و نیروی کار ساکنان محله یافت‌آباد، نسبت به آن‌ها (محله هاشمی) بازتر عمل می‌کنند.

۴. برخلاف محله یافت‌آباد، محله هاشمی هم نماد منطقه ۱۰ است و هم ساکنانش وضعیت حاشیه‌ای ندارند.

پنج طیف عمده گروه مرجع اقتصادی (تولیدکنندگان، فروشندگان، مغازه و غرفه‌داران، کارفرمایان کارگاهی، دلالان، ...) در محله یافت‌آباد نفوذ دارند. در محله هاشمی سه گروه مرجع صاحب نفوذ (روحانیون، مداحان، متولیان مساجد و تکیه‌گاه، ریش سفیدان) در صحنه اجتماعی محله، فعال و دارای مرجعیت رفتاری و قضاوتی در نزد ساکنان محله هستند. با توجه به ضریب نفوذ ۶۷ درصدی گروه‌های مرجع اقتصادی در محله یافت‌آباد، معیار قضاوت برای ابعاد ذهنی و کیفیت زندگی اهالی این محله بسیار متفاوت از کیفیت زندگی اهالی محله هاشمی هست که گروه‌های مرجع عمده آن‌ها به طور عموم بیش از ۷۰ درصد گروه‌های اجتماعی سنتی و مذهبی می‌باشد. هم‌چنین یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد گروه‌های مرجع اقتصادی و مدنی منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران از طریق تاثیرگذاری بر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری منطقه، برکالبد و فضای شهری محله یافت‌آباد موثر بودند و از این طریق شرایط رفاه، خدمات شهری و بافت‌های مسکونی برای ساکنان محله به ارمغان آوردند. در صورتی که این وضعیت در مورد گروه‌های مرجع هاشمی جاری نیست.

تحلیل متغیر مستقل تحقیق

– رابطه متغیرهای زمینه‌ای و وجاهتی پاسخگویان/ ساکنان محله‌های پژوهش و انتخاب نوع گروه مرجع

جدول شماره (۴): توزیع مقادیر آزمون‌های t و شدت همبستگی r بر اساس متغیرهای زمینه‌ای و انتخاب درون و برون گروهی گروه‌های مرجع نمونه‌های پژوهشی

| متغیرها | مقدار t برای میانگین دو محله هاشمی و یافت‌آباد | سطح معنی‌داری | شدت همبستگی |
|--|--|---------------|-------------|
| متغیرهای زمینه‌ای و انتخاب درون و برون گروه‌های مرجع | ۳٫۲۹٪ | ۰/۰۰۶ | ۶۵٪ |

همان‌گونه که جدول شماره (۴)، نشان می‌دهد، برخی از متغیرهای زمینه‌ای نمونه‌های پژوهشی که بر اساس ویژگی‌شان به صور رتبه‌ای قابل سنجش بوده و پس از کامپیوت، یک سازه را به عنوان متغیرهای زمینه‌ای و وجاهتی پاسخگویان تشکیل داده بودند، با میزان تمایل شهروندان و ساکنان محله‌های پژوهش به اولویت انتخاب درون یا برون گروهی گروه‌های مرجع (گروه‌هایی که در محله ساکن/ غیر ساکن و یا فعال/ غیر فعال هستند)، در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری دارند و شدت همبستگی‌شان، ۶۵ درصد می‌باشد. افراد مسن‌تر، مذهبی‌تر، با احساس تعلق بیشتر به محله خود و دیرینگی سکونت در محله زندگی‌شان، تمایل بیشتری برای انتخاب گروه‌های مرجع خودی/ درونی داشتند و این تمایل در نزد افراد با سطح تحصیلات بالاتر، احساس حاشیه‌ای بودن بیشتر در گروه/ محله

خودی و میزان درآمد بیشتر، برعکس می‌باشد. از این روی ساکنان محله یافت‌آباد تمایل به گزینش گروه‌های مرجع غیرخودی (گونه‌های گروه‌های مرجع اقتصادی و تجاری) داشتند و اهالی محله هاشمی به گروه‌های مرجع محله خودشان (گونه‌های گروه‌های اجتماعی و مذهبی) تمایل دارند. به عبارت دیگر گروه‌های مرجع اهالی محله یافت‌آباد به تعبیر مرتون، گروه‌های غیرخودی بوده و به طور عموم در محله مزبور ساکن نیستند. برعکس گروه‌های مرجع اهالی محله هاشمی به طور عموم در محله هاشمی ساکن بوده و زندگی می‌کنند.

- رابطه میزان نفوذ نوع "گروه‌های مرجع" در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی شهری

میزان نفوذ نوع گروه‌های مرجع و قدرت فشار آن‌ها در یک جامعه (محله‌های پژوهش یافت‌آباد و هاشمی) کیفیت زندگی ساکنان آن جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بین کیفیت زندگی ساکنان محله یافت‌آباد (کالبد شهری، بُعد اجتماعی و عینی و بُعد روان‌شناختی و ذهنی) که به طور عمده گروه‌های مرجع اقتصادی را انتخاب کردند، رابطه وجود دارد و این گزاره و تبیین در مورد ساکنان محله هاشمی هم که به طور عمده گروه‌های مرجع‌شان مذهبی و سنتی است، صادق می‌باشد. میانگین کیفیت زندگی محله یافت‌آباد در همه ابعاد کالبد شهری محله‌ها و ابعاد ذهنی و عینی ساکنان‌اش بهتر از محله هاشمی است. این تفاوت معنی‌دار را آزمون T برای دو جامعه مستقل تایید می‌کند که نتایج آن در جدول شماره (۵)، گزارش شده است. شدت همبستگی این دو بسیار زیاد و ۷۸ درصد است. به عبارت دیگر کیفیت زندگی یک محله به شدت تحت تاثیر قدرت راهبری راهبردی گروه‌های مرجع و ضریب نفوذ آن‌ها در نزد ساکنان محله می‌باشد.

جدول شماره (۵): توزیع مقادیر آزمون‌های t و شدت همبستگی r

بر اساس شدت میزان نوع گروه‌های مرجع در محله و کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهشی

| متغیرها | مقدار t برای میانگین دو محله هاشمی و یافت‌آباد | سطح معنی‌داری | شدت همبستگی |
|---|--|---------------|-------------|
| شدت میزان نوع گروه‌های مرجع در محله و کیفیت زندگی | ۴٫۸۵٪ | ۰/۰۰۰ | ۷۸٪ |

- رابطه بین عناصر تشکیل دهنده "کیفیت زندگی" (سطوح خرد و کلان و ابعاد ذهنی و عینی)

۱. گروه مرجع، فرد یا گروهی است که شخص برای جهت‌گیری در رفتارهای خود و ارزیابی خود معیارها و انتظارات آن گروه مرجع را به عنوان الگو و راهنما برای خود در نظر می‌گیرد و رفتارهایش را هماهنگ با انتظارات و معیارهای گروه مرجع شکل می‌دهد.
۲. کیفیت زندگی در دو بُعد ذهنی (میزان رضایت از کیفیت مناسبات محلی، تمایل به مشارکت محلی، تعلقات محلی، شهری، ملی و ...) و عینی (برخوردهای از امکانات و خدمات ساختاری محله، ارتباطی، بهداشتی و ...) و در قالب ۳۷ شاخص سنجش شده است.

با توجه به بیش تلفیقی و توجه به رویکردی که تمام عناصر تشکیل دهنده کیفیت زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد، فرضیه مزبور تدوین شده است. در فرض مزبور، شاخص‌های وضعیت کالبدی محله، شاخص‌های بُعد ساختار اجتماعی و عینی و همچنین شاخص‌های روان‌شناختی اجتماعی و ذهنی کیفیت زندگی، سنجش و روابط فی‌مابین آن با آزمون آماری F فرض‌آزمایی و تبیین می‌شود. برای این که میانگین هر یک از گروه‌ها/خوشه‌های تشکیل دهنده یکی از عناصر ساختاری با هم دیگر مقایسه شود و براساس میانگین کل عامل کیفیت زندگی ارزشیابی گردد، مقادیر آزمون به دست آمده F را با مقدار جدول شماره (۶)، در سطح ۹۹ درصد اطمینان، مقایسه نموده‌ایم. نتایجی که در جدول شماره (۶)، نشان داده شده است، رابطه این عناصر را تایید و میزان همبستگی آن‌ها را بسیار زیاد یعنی ۸۲ درصد نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، توزیع عناصر سازنده سازه/عامل کیفیت زندگی بسیار همبسته هستند و هارمونیک می‌باشند.

جدول شماره (۶): توزیع مقادیر آزمون‌های F و شدت همبستگی ۲

بر اساس عناصر تشکیل دهنده میزان کیفیت زندگی از نظر نمونه‌های پژوهشی

| متغیرها | مقدار F برای میانگین چهار گروه/عناصر | سطح | شدت |
|--|--------------------------------------|-----------|---------|
| | تشکیل دهنده کیفیت زندگی | معنی داری | همبستگی |
| عناصر تشکیل دهنده (کالبد شهری، مناسبات اجتماعی، بعد عینی بعد ذهنی) میزان کیفیت زندگی | ۵,۲۹٪ | ۰/۰۰۰ | ۸۲٪ |

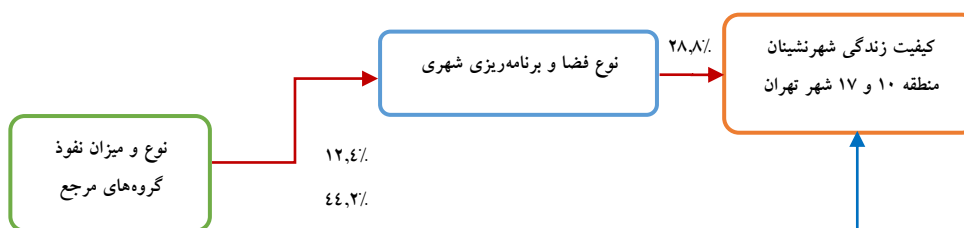
عامل گروه‌های مرجع و میزان نفوذ آن‌ها در محله، از طریق عامل برنامه‌ریزی در فضای شهری و تاثیر بر کیفیت فضای شهری، عامل کیفیت زندگی محله را تعیین می‌کند.

– گروه‌های مرجع چگونه کیفیت زندگی محله‌های شهری را تحت تاثیر قرار داده و میزان آن را تعیین می‌کنند؟

به گواهی یافته‌های جدول شماره (۷)، که براساس آزمون مدل علی پژوهش، تحلیل ضرایب مسیر و تحلیل عاملی، تدوین شده است، گروه‌های مرجع در کل؛ به صورت مستقیم ۷۳ درصد و از طریق عامل برنامه‌ریزی شهری برای تغییر کالبد و فضای شهری با تعدیل میزان فضاهای بی‌دفاع شهری، به صورت غیر مستقیم ۱۲,۴ درصد واریانس عامل کیفیت زندگی را توصیف و تبیین می‌کند. برای روشنی و دقت بخشیدن به اثر عامل‌های مستقل پژوهش حاضر بر روی عامل وابسته پژوهش، تمامی عامل‌های پژوهش را در قالب یک مدل علی و با سنجش ضرایب اثرگذاری عامل‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر روی عامل وابسته سنجش نمودیم که یافته‌های مرتبط با آن در جدول شماره (۷) و شکل شماره (۲) نشان داده می‌شود.

جدول شماره (۷): توزیع نائیر مستقیم و غیر مستقیم عامل‌های پژوهش و آزمون تجربی مدل پژوهش

| انواع تاثیر | عامل‌ها | |
|--|---------|------------|
| | مستقیم | غیر مستقیم |
| شدت نفوذ گروه‌های مرجع در محله‌های پژوهش | ۴۴٫۲ | ۱۲٫۴ |
| میزان کیفیت کالبدی براساس برنامه‌ریزی شهری | ۲۸٫۸ | - |
| کل | ٪ ۷۳ | ٪ ۱۲٫۴ |
| | | ٪ ۵۶٫۶ |
| | | ٪ ۲۹٫۱۷ |
| | | ٪ ۸۵٫۴ |



شکل شماره (۲): مدل تجربی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

اگر کیفیت زندگی را با عنایت به تعریف مفهومی و نظری ادبیات نظری و با توجه به رویکردهای تلفیقی، بر همکنشی میان منابع، امکانات، فرصت‌ها و بسترهای فرهنگی و اجتماعی برای تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شهری، فردی و ... هم‌چنین دریافت، ارزیابی و رضایت افراد و گروه‌ها از برآورده شدن نیازهای‌شان بر اساس برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و رفاهی در محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری شهر تهران در نظر بگیریم و از طرف دیگر محله‌ها و نواحی این مناطق را از لحاظ کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی و عینی (سطح خرد اجتماعی) و ساختاری و کالبد فضای شهری (سطح کلان) متفاوت بدانیم، آن هنگام سهم گروه‌های مرجع اقتصادی، مذهبی و اجتماعی در تبیین واریانس آن‌ها بسیار زیاد است.

ساکنان یک محله و اجتماع در شرایط خاص خود و بر اساس متغیرهای خاصی به انتخاب برخی گروه‌های مرجع دست می‌زنند و به آن‌ها گرایش دارند و آن‌ها را برای شیوه و سبک زندگی خویش الگو و معیارهای آن‌ها را برای ارزش‌یابی و جاهد اجتماعی‌شان، ملاک قضاوت قرار می‌دهند. از نظر نظریه‌پردازانی چون هیمن، مرتن، مید، میزان حاشیه‌ای بودن افراد در گروه‌های عضویت‌شان، شبکه‌های ارتباطی‌شان، برخی متغیرهای تسهیلگر و زمینه‌ای از جمله این ویژگی‌ها می‌باشد. در پژوهش حاضر، رویکرد نظری هیمن، فسینگر و آلیس کیت برای انتخاب گروه‌های مرجع با محوریت شبکه‌های ارتباطی و الگوپذیری گروه‌های پیرو از گروه‌های مرجع در سبک‌زندگی، کیفیت زیستن و کیفیت زندگی و رویکرد ترکیبی مارانس، تاموتسو شیوتانی و فیلیپس در ارزیابی کیفیت زندگی با محوریت ساختاری، عاملیتی و

در سطوح خرد و کلان، گزینش شد و فرض‌های پژوهشی برآیند شده از آن‌ها به شرح ذیل با یافته‌های پژوهشی همسوی پژوهشگران مورد نظر، تحلیل و نتیجه‌گیری می‌شود.

باورهای فرهنگی متأثر از راهبری گروه‌های مرجع حاکم در مناطق قلمرو پژوهش، کیفیت زندگی ساکنان این مناطق و محله‌ها را در میدان فضای شهری و از طریق سامان‌دهی و نوسازی کالبد شهری، تعدیل آسیب‌های اجتماعی شهری، در ابعاد ذهنی و عینی تعریف و تعیین می‌کند. هر چند این اثرگذاری در بُعد ذهنی از بُعد عینی کیفیت زندگی، اثرگذاری و مطلوبیت کمتری دارد. این وضعیت در یافته‌های پژوهشی پژوهشگران هم مشهود است و شاخص ذهنی کیفیت زندگی بسیار پایین‌تر از شاخص عینی کیفیت زندگی است (رضازاده قرشی، ۱۳۹۴: ۴۹)، به عبارت دیگر شهرنشین‌های برخی مناطق شهر تهران در زندان فقر فرهنگ شهرنشینی و تله فقر فرهنگی و فکری محبوس شدند و توان‌باوری و ایستاری‌شان برای تصویر زندگی مطلوب اندک بوده و قادر به تولید و بازتولید کیفیت مطلوب در زندگی خویش نیستند و در چرخه ناتوانی فرهنگی و به تبع ذهنی گرفتار و دارای نظام معیارین و هنجاری مساعد برای تولید و بازتولید باورهای مطلوب و با کیفیت زیستن را ندارند (مهاجر، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

شبکه‌های ارتباطی ساکنان محله‌ها و این که فرد در کدام شبکه‌های ارتباطی عضویت دارد و شدت این ارتباط و همبستگی چه میزان است، بسیار مهم می‌باشد. آیا در گروه‌ها و شبکه‌های ارتباطی اش نقش فعال و یا حاشیه‌ای دارند؟ ساکنان محله یافت‌آباد، به طور عمده در شبکه‌های ارتباطی از نوع اقتصاد محلی که کارگاه‌های مرتبط با مبل، پارچه، فروشگاه‌ها و گروه‌های خدماتی مرتبط با این صنایع و ... که تمرکز و انسجام بیشتری دارند، شاغل هستند و به صورت روزانه در دل این گروه‌های اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی مرتبط با آن‌ها، فعال بوده و ارتباطات پویایی با این شبکه‌ها دارند. در صورتی که ساکنان محله هاشمی به طور عمده و بیشتر متفرق، خارج از محله و یا در قالب فعالیت‌های انفرادی (مغازه‌ها، دستفروشی‌ها و ...) شاغل هستند و به لحاظ اقتصادی از انسجام کمتری برخوردارند و بر عکس در شبکه‌های اجتماعی مرتبط با مساجد، تکایا، خانه‌های محله، شبکه‌های اجتماعی سنتی و ... فعال و پویا هستند. یافته‌های پژوهشی هزارجریبی (۱۳۹۰)، سرایی و ساروخانی (۱۳۹۵)، همسویی با یافته‌های پژوهش حاضر دارند و همجواری، احساس و جاهت بخشی، معیار سنجش پیشرفت و مهم‌تر شبکه ارتباطی روزانه در انتخاب گروه مرجع بسیار موثر هستند.

کیفیت زندگی افراد، مرهون نوع و میزان نقش آفرینی گروه‌های مرجع در زیست اجتماعی‌شان می‌باشد. گروه‌های مرجع به عنوان کنشگران عامل، قادر به برساخت جدیدی از زندگی اجتماعی برای افراد پیروشان می‌باشند. برخی افراد، گروه‌های پیرو و یا اجتماعات محلی چنان راهبری می‌شوند که آسیب‌های اجتماعی محیط و جهان اجتماعی‌شان کمتر می‌شود و کیفیت زندگی‌شان بهتر می‌گردد. اما برخی‌ها بر عکس، نتیجه راهبری گروه‌های مرجع زندگی اجتماعی‌شان موجب افزایش آسیب‌های

اجتماعی محیط زندگی و به تبع آن کیفیت زندگی نامطلوب و پایین‌تر می‌شود. میزان نفوذ، کثرت و شیوع گروه‌های مرجع در یک محله و اجتماع، ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی ساکنان آن محل و گروه‌های پیرو را تحت تاثیر قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهشی نیوکمب (۱۹۷۵)، تیکالا و ریشان (۲۰۱۰)، کوکبی (۱۳۸۴)، پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱)، زنگنه و دیگران (۱۳۹۳)، نجات و زبردست (۱۳۸۸)، با یافته‌های پژوهشی حاضر همسویی دارد.

گروه‌های مرجع از یک طرف از طریق تغییرات و برپا ساختن‌هایی که در ساختارهای کالبد شهری از طریق تاثیرگذاری در برنامه‌ریزی اجتماعی، رفاهی و شهری با تعدیل فضاهای بی‌دفاع شهری ایجاد می‌کنند (ساختاری) و از طرف دیگر با برپا ساختن که از طریق تاثیر گذاری بر نگرش، ایستارها، ذائقه‌ها و الگوهای افراد در تغییر شیوه و سبک زندگی آن‌ها ایجاد می‌کنند (کنشی) بر ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی ساکنان یک محل و گروه‌های پیرو، تاثیر می‌گذراند. به عبارت دیگر عمده‌ترین تاثیر گروه‌های مرجع در برپا ساختن کیفیت زندگی از طریق برپا ساختن‌های کالبد شهری و تغییر نگرش به سبک زندگی هست که از طریق ارزشیابی برهمکنشی ساختارها و عامل‌ها می‌توان، تولید و باز تولید و به خصوص تغییرات کیفیت زندگی را در سطوح خرد و کلان و در قلمرو ذهنی و به‌ویژه عینی سنجش کرد. یافته‌های پژوهش حاضر در این مدل علی و تحلیل عاملی با رویکرد نظری و یافته‌های پژوهشی فیلیپس (۲۰۰۶)، مارانس (۲۰۰۱)، و کیت (۱۳۷۸)، در این مورد همسویی بسیاری دارد.

پیشنهادات کاربردی تحقیق

با توجه به فراز و فرودهای پژوهش حاضر و با عنایت به ضرورت بومی‌سازی علم جامعه‌شناختی در مورد عامل‌های مهم پژوهش حاضر به ویژه گروه‌های مرجع و کیفیت زندگی پژوهش‌های کیفی و به ویژه به روش پژوهش زمینه‌ای/وابسته به زمینه با هدف تولید مبانی نظری مناسب و برازشی انجام گیرد. همچنین با توجه به اهمیت سنجش و رصد کیفیت زندگی، کیفیت زندگی شهرهای کشور در قالب یک پیمایش ملی انجام گیرد و نیز با توجه به توصیف و تبیین گروه‌های مرجع در پژوهش حاضر و مشخص شدن اهمیت دوچندان تاثیرگذاری گروه‌های مرجع در بخش‌های مختلف زندگی و به ویژه هدایت باورها، ذایقه‌ها و تمایلات گروه‌های پیرو از یک طرف و فقر مطالعاتی نقش گروه‌های مرجع در برپا ساختن کیفیت زندگی و ... در جامعه علمی و پژوهشی ایران، پژوهش‌های متعدد در حوزه گروه‌های مرجع و به ویژه در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی انجام گیرد. بر همین اساس توصیه می‌شود برای فهم فاصله‌ها و شکاف‌های شدید طبقاتی در کشور به ویژه در حوزه کیفیت زندگی، مطالعات تطبیقی با هدف کشف و توصیف واریانس‌های درون و برون گروهی در شهرهای بزرگ و کلانشهرهای ایران انجام گیرد تا در سایه مقایسه و تطبیق علمی، واقعیت‌های پنهان فاصله کیفیت زندگی و به طور خاص در بُعد عینی آن روشن‌تر گردد. پیشنهادات کاربردی بر اساس یافته‌های مرتبط به هریک از فرضیه‌های پژوهشی و یا

همچنین پاسخ‌های پرسش‌های هر یک از پرسش‌های رساله حاضر می‌توان اشاره داشت. بر اساس یافته‌های پژوهشی وضعیت کیفیت زندگی محله‌های پژوهش و این که محله‌ها و به طور خاص محله هاشمی از وضعیت کیفیت زندگی بسیار پایینی برخوردار هست و از طرف دیگر با توجه به اولویت بُعد عینی کیفیت زندگی بر بعد ذهنی، پیشنهاد می‌شود:

- بخش خدمات و امکانات شهری این محله و به ویژه محله هاشمی باید افزایش یابد. از جمله افزایش سرانه‌های بهداشتی، ورزشی، فضای سبز که از میانگین محله‌های شهر تهران بسیار پایین است و ...

- برای تغییر و افزایش کیفیت زندگی محله هاشمی و به ویژه افزایش بُعد ذهنی می‌بایست در الویت دادن به گروه‌های اقتصادی و مدنی و کم کردن گستره کاذب گروه‌های سنتی در محله هاشمی چاره‌اندیشی کرد. همچنین با توجه به تنیدگی عامل‌های چهارگانه پژوهش و برهمکنشی آن‌ها، پیشنهاد می‌شود:

۱. اجرای پروژه‌های فرامنطقه‌ای، مدیریت شهری تهران این پروژه‌ها را بدون مطالعات اتقاقی انجام ندهد و تاثیرات ثانوی و انباشتی را در دامنه فراگیر را که فضای شهری، کیفیت زندگی و آسیب‌های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد را، بیشتر مورد توجه قرار دهند.

۲. مدیریت شهری به مسایل زایش شده از انتقال جمعیت و مهاجرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (به خصوص حاشیه‌نشینی و به ویژه حاشیه‌نشینی اجتماعی) توجه چاره‌اندیشانه‌ای داشته باشند که همه عامل‌های پژوهش را سخت تحت تاثیر قرار می‌دهد.

منابع

- بهرامی‌نژاد، دهقان. (۱۳۸۲). **شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها مطالعه موردی بافت میانی شیراز**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۱). کیفیت محیط شهری، مطالعه معوقه شهروندان، **فصلنامه مدیریت شهری**. شماره ۹، صص ۱۵-۶.
- پوراحمد، احمد؛ فرجی ملائی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ و لطفی، صدیقه. (۱۳۹۱). تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**. دوره ۴۴، شماره ۴، صص ۴۴-۲۱.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ و فتاحی، احدا. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (استان لرستان)، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی**. شماره ۷۶.
- حاجی‌نژاد، علی؛ و قادری، علی. (۱۳۸۹). تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی در محله‌های شهری (نمونه موردی: شهر فارس)، **مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای**. بهار ۱۳۹۵، شماره ۲۱ علمی- پژوهشی ISC، صص ۱۶۷-۱۷۸.
- خادم‌الحسینی، احمد؛ منصوریان، حسین؛ و ستاری، محمدحسین. (۱۳۹۰). سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مورد: شهر نورآباد، استان لرستان)، **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**. سال اول، شماره ۳.
- رضازاده قرشی. (۱۳۹۴). **فضای سبز و کیفیت زندگی در شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یادگار امام تهران.
- رفعیان، مجتبی؛ عظیمی، مریم؛ و مقدم، حامد. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)، **فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط**. شماره ۱۶.
- زبردست، اسفندیار؛ و حبیبی، سارا. (۱۳۸۸). بررسی پدیده پراکنده‌رویی و علل آن در شهر زنجان، **مجله هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**. دوره ۱، شماره ۳۸، علمی- پژوهشی، ISC، صص ۱۲۴-۱۱۵.
- زنگنه شهرکی، سعید؛ و دیگران. (۱۳۹۳). تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی منطقه کلانشهری تهران (مطالعه موردی: اسلام‌آباد، صالح‌آباد)، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**. دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۱۹۶-۱۷۷.
- سرایبی، حسن؛ ساروخانی، باقر؛ و آذرخش، اردشیر. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین هویت اجتماعی با نوع گزینش گروه مرجع دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه، **مجله پژوهش‌های جامعه‌شناختی**. سال دهم، شماره ۲، صص ۷-۲.
- سیروس صبری، رضا. (۱۳۷۸). نقش دسترسی‌ها در کیفیت زندگی شهری، **نشریه پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی**. دوره ۹، شماره ۲۹.
- شاه‌حسینی، پروانه؛ و توکلی، هانیه. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، (مطالعه موردی: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران)، **فصلنامه آمایش محیط**. دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۴۴-۱۲۷.
- شماعی، علی؛ فخری‌پور محمدی؛ و زنگانه، احمد. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق شهری، (مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهرداری تهران)، **پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری**. دوره ۵، شماره ۳، صص ۳۷۹-۳۵۷.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ و هاشمی، سیدضیاء. (۱۳۸۱). گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تاکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر، **نشریه نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۰، صص ۱۶۷-۱۴۹.

عباس‌زادگان، مصطفی؛ و رضوی، حامد. (۱۳۸۵). اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری برنامه‌ریزی طراحی محور، نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۸، صص ۲۲-۱۵.

غفاری، غلامرضا؛ و ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. تهران: ناشران اگرا، لویه. چاپ هفتم.

غفاری، غلامرضا؛ و رضا، امیدی. (۱۳۹۰). کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی. تهران: انتشارات شیرزاه. چاپ دوم.

کوزر، لوئیس؛ و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۹۳). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه: فرهنگ، ارشاد. تهران: نشر نی. چاپ ششم، صص ۲۶۹-۲۶۲.

کوکبی، افشین. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهری در مرکز شهر، مورد مطالعه: پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

گولد جولیبوس؛ و کولب، ویلیام. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. مترجم: باقر، پرهام. انتشارات مازیار، چاپ سوم.

مهاجری، اصغر. (۱۳۹۵). مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر دوستدار کودک. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.

مهاجری، اصغر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث و توسعه ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب. دانشگاه تهران، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.

نجات، سحرناز. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن (مقاله مروری)، مجله اپیدمیولوژی ایران. دوره ۴، شماره ۲، صص ۶۲-۵۷. هزارجریبی، جعفر. و آقایی کلاکی، محمد. (۱۳۹۰). عوامل موثر بر گزینش گروه مرجع در بین دانشجویان (مطالعه جامعه‌شناختی تغییر گروه مرجع در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و صنعتی اصفهان)، فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۱۸، شماره ۵۴، صص ۹۷-۵۲.

Bohnke, P. (2007). Does Society Matter? Life Satisfaction in the Enlarged Europe, **Social indicators research**. No. 87, P.p: 189-210.

Cooley, CH. (1953). **Social Organization**. A Study of the Larger Mind, New York, Seivbner's.

Hyman, Herbert, Cleanor., Singer. (1968). **Readings in Reference Group Theory and Research**. New York :Free Press. (eds).

Lee, Y., J. (2005). Subjective quality of life measurement in Taipei, **Building and Environment**. No. 43, P.p: 1205-1215.

Marans, W, R. J., Stimson, R. (2011). Investigating Quality of Urban Life, Theory, Methods, and Empirical Research, **Springer Dordrecht Heidelberg London New York**. ISBN 987-94-007-1741-1.

Newcomb, TheodoRe, M. (1957). **PeRsonality and social change: Attitude foRmation in a student community**. New YoRk: DRyden PRess. RepRint, 1957. (Page citations aRe to the RepRint edition).

Phillips, D. (2006). **Quality of Life: Concept, Policy and Practice**. London: Rutledge Publications.

Teklay, Rishan. (2012). **Adaptation and Dissonance in Quality Of Life: IndicatoRs foR u Rban planning and policy making**. Enschede, the NetheRlands, maRch.

W. Marans, R., J. Stimson, R. (2011). Investigating Quality of Urban Life, Theory, Methods, and Empirical Research, **Springer Dordrecht Heidelberg London New York**. ISBN 987-94-007-1741-1.